

نقش ژئواکونومی در اهداف استراتژیک ایران در قرن بیست و یکم جهان

محمود هادی زاده^۱، دکتر عزت اله عزتی^۲

۱ - دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

عصر جدید، سامانه‌ای اقتصادی محور بر مبنای ترتیبات سیاسی و با هدف کسب برتری اقتصادی، اما حفظ توانایی نظامی برای انجام عملیات احتمالی، آن هم با ملاحظه حفظ شریان‌های حیاتی اقتصادی و تمرکز ویژه بر روی انرژی است. عصر جدید که آن را دوره تسلط تفکر «ژئواکونومی» می‌دانند، خود مولد تحولات عمیق تری است که در بستر «ژئوپولی نومی» یا عرصه تداخلی جغرافیا، سیاست و اقتصاد در حال وقوع است. در این عرصه جایگاه کشورها مانند عصر محاسبات ژئواستراتژیک براساس نقشه طبیعی آنها و برتری عنصر «موقعیت مکانی» از جنبه ژئوپولیتیک تعیین نمی‌شود. دوران اندیشه «ژئواکونومی» عصر جدیدی است که نقش کشورها و ایفاگری آنها منوط به داده‌ها و داشته‌های اقتصادی است. در این مقاله سعی شده با بررسی دوران جدید، به سیاست خارجی ایران به عنوان برنامه عمل با دنیای پیچیده امروز، با ملاحظه ای ترتیبات، نگاه دوباره ای افکنده شود و در خور توان راهکار مناسب ارائه گردد.

کلید واژه ها: ژئواکونومیک - سیاست خارجی - منطقه - جهان - ایران.

مقدمه:

بشر قرن بیستم را در حالی پشت سر گذاشت که آن را پرحادثه‌ترین و پراشوب‌ترین عصر سیاسی انسان نامگذاری کرده اند. عصری که دامنه جنگلها و مناقشات با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، دوران جدیدی را برای انسان رقم زد. تحولات گسترده در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه تکنولوژیکی مجموعاً قرن بیستم را به عصر دگرگونی‌های اساسی تبدیل کرد. نکته قابل توجه اینکه محور همه تحولات و غایت نهایی آنها معادلات نظامی گرایانه بود، قدرت نظامی به عنوان هدف نخست هر دو ابرقدرت، منشاء تحركات مختلفی در سراسر جهان شد. پیشرفت‌های تکنولوژیکی - استراتژیکی به عنوان معیار برتری یکی از دو ابرقدرت به رقابتهایشان جنبه نظامی صرف داده بود. در قرن بیستم همانطور که اشاره شد، عصر برآوردهای استراتژیک مکانی و توفیق اندیشه ژئواستراتژی نظامی محور بود. اما دهه‌های پایانی سده گذشته با چنان تغییراتی همراه بود که راهبردهای نظامی محور با تنزل به رتبه‌های بعدی، نویدبخش دوران نوینی از ترتیبات اقتصادی شد. در این میان ایران هم به دلیل قرار گرفتن در یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا (تأکید بر روی عنصر موقعیت مکانی) و هم درگیر شدن در معادلات اقتصادی انرژی محور در عصر تفکر ژئواکونومی، شرایط توانمندی‌ها و ملاحظات ویژه‌ای دارد.

حال درک این تحولات ساختاری و تأثیری که بر جایگاه ایران به عنوان سرنوشت سازترین بازیگر منطقه خواهد داشت، ما را به سمت بررسی جایگاه نوین ایران در ابعاد مختلف سوق می دهد. بر هم خوردن موازنه‌های ژئوپولیتیکی جنگ سرد، معیارهای جدید، متعدد و چندگانه‌ای را برای ایران، به ویژه در حوزه سیاست خارجی دربر خواهد داشت. ظهور حوزه‌های جدید ژئوپولیتیکی و مطرح شدن پیکره‌های منطقه‌ای، گروه بندی‌های منطقه‌ای و روابط جدید با حوزه‌های اطراف و این بار نه به شکل دوران جنگ سرد که گروه بندی‌های منطقه‌ای عمدتاً سرنوشت نظامی داشتند و از بیرون تحمیل می شوند، جایگاه ایران در منطقه و در معادلات جهانی در دوره جدید می تواند در بستر «ژئوپولی نومی» و براساس طبیعت بسیار غنی این سرزمین با ملاحظه دو عنصر «انرژی» و «دسترسی ارتباطی» که عامل بسیار تعیین کننده‌ای می باشد، به موقعیت ممتازی ارتقاء پیدا کند. حال برای بیان ضرورت و اهمیت تحقیق می به ایست به نقش و اهمیت کشورمان از زوایای مختلف نگاه کنیم. از آنجا که ایران در یکی از حساس ترین مناطق ژئوپولیتیکی جهان قرار گرفته است، امنیت آن به عوامل متعددی بستگی پیدا می کند که برخی درونی و برخی بیرونی هستند و پاره‌ای دیگر از مجموع تحولات منطقه‌ای که باز هم متأثر از فضای بین المللی است. مدیریت سیاسی، اقتصادی و امنیتی مسائل سیاست خارجی ایران برپایه درک فضایی درست از تحولات جهانی است. اهمیت بررسی این مسائل را حداقل می توان در این گفته بیان نمود که تسلط بر آنچه روند کلان «ژئوپولی نومی» خوانده می شود، می تواند ما را از تبعات خاص خود در تفکر جدید قرن بیست و یکم؛ یعنی «ژئواکونومی» و تحولات مناطق ژئوپولیتیکی جهان و البته جایگاه خود، بهتر و بیشتر آگاه سازد و این به ما بصیرت فضای درستی از آنچه باید در سیاست خارجی کشورمان به شکل دستور کار دنبال شود، خواهد بخشید. همانطور که گفته شد اهداف کلی این تحقیق بازشناسی و بررسی بسترهای تحولات کلان جهانی است، از جمله:

۱. روشن کردن ابعاد کلی وضعیت ژئواکونومیک ایران

۲. روشن ساختن نقش ژئواکونومی در اهداف استراتژیک ایران

از دیگر اهداف ویژه‌ای که می تواند به تعیین نقش ژئواکونومیک ایران کمک کند و در این تحقیق بحث محوری را به خود اختصاص داده است، بحث ناسایی ظرفیت‌ها و راهکار عملیاتی کردن آنها برای بالا بردن توان بروز نقش ژئواکونومیک از طریق دستگاه سیاست خارجی است.

فرضیات:

۱. به نظر می رسد مفاهیم استراتژیک بر تعیین قلمروهای ژئوپولیتیکی، حاکم نخواهد بود.

۲. جمهوری اسلامی ایران با توجه به توان ژئوپولیتیکی، ژئواکونومی و ملاحظات ژئواکونومی می تواند نقش محوری تأمین امنیت منطقه را ایفا کند.

۳. ساختار نظام بین الملل آینده متأثر از قلمروهای ژئواکونومیکی در حال شکل گیری است.

تعاریف عملیاتی:

استراتژی: داشتن هنر و خط مشی، به منظور اهداف مجموعه فعالیت هایی در یک دولت یا ائتلافی از دولت هاست.

ژئوپولیتیک: از دید منکولاس اسپایکمن، ژئوپولیتیک، طرح ریزی امنیت سیاسی کشور براساس عوامل جغرافیایی است. بیرگالوا معتقد است: ژئوپولیتیک، یعنی مطالعه نحوه ارتباط بین هدایت سیاسی قدرت بین المللی و چارچوب جغرافیایی عملکرد آن.

ژئوپولی نومی: در واقع ترکیب نوینی بین ترتیبات جدید ژئوپولیتیک، پس از اضمحلال شوروی و از بین رفتن گستره ژئواستراتژیک بری و بحری و تحولات در مناطق ژئوپولیتیکی جدید است. ژئوپولی نومی، شبکه توصیف کننده ترتیبات نوین ژئوپولیتیکی است.

جایگاه انرژی در استراتژی‌های جهانی:

از آغاز جنگ جهانی دوم، ایران دستخوش بی ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شد. ایران برای مافع انگلستان به عنوان کمر بند دفاعی مهمی از شمال آفریقا تا بلوچستان و خلیج فارس حافظ منافع این قدرت بود. ضرورت کنترل ایران و خلیج فارس نهایتاً دولت انگلستان را مصمم کرد تا با هر نوع تلاشی که توسط کشورهای دیگر در جهت نفوذ زمینی یا دریایی به عمل آورند، با قدرت مقابله نماید. در سال ۱۹۴۱، پس از حمله آلمان به شوروی موقعیت استراتژیک ایران، توجه قدرت های درگیر جنگ را متوجه خود کرد. این اهمیت نه تنها به خاطر دارا بودن خطوط ارتباطی مناسب برای ارسال کمک به شوروی بود، به لکه بیشتر به این خاطر بود که ایران به مثابه پلی ارتباطی بین هندوستان و سایر نقاط امپراطوری بود (الهی، ۱۳۶۱، ۱۰۹). چرچیل در اهمیت و ضرورت استفاده از راه‌های ایران عقیده داشت که ایجاد یک راه ارتباطی از طریق ایران برای تماس گرفتن با شوروی فوق العاده اهمیت دارد (چرچیل، ۱۳۴۷، ۸۶). در دهه ۱۹۶۰، جبهه اعراب وجه مشترکی داشت و آن مقابله با اسرائیل بود. در حالی که ایران در جبهه غرب بود و نمی توانست رسماً به این جبهه گیری وارد شود و اعلام موضع کند. اما دهه ۱۹۷۰ دهه بهره برداری از ایران بود. ایالات متحده از آغاز ۱۹۷۰ حدود ۲۰ میلیارد دلار تسلیحات فوق العاده مدرن و پیچیده نظامی به ارتش ایران فروخت. در پس این طرح و روش تسلیحات بود که هزاران کارشناس و مستشار نظامی آمریکایی برای ایجاد تغییرات و اصلاحات بنیادی در ارتش ایران و بالا بردن ظرفیت کارایی نظامی این کشور روانه تهران شدند. (لاهوئی، ۱۳۷۴، ۵۶) نخستین تجربه موفق این برنامه نظامی، به نتیجه مطلوبی منتهی شد؛ به این صورت که ارتش مجهز شده ایران با شایستگی، قدرت برتر خود را در سرکوبی شورش کمونیستی در عمان به اثبات رساند. با این وجود در سال ۱۹۷۹ با وقوع انقلاب در ایران، این روند با شکست روبه رو گردید و ایالات متحده ناگزیر به خاتمه آن سیاست شد و در پی استراتژی دیگری در منطقه برآمد. سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) سیستم «سد شمالی» را که در جهت سد کردن نفوذ شوروی از طریق پیمان نظامی ستو و اتصال آن به پیمان های ناتو و سیتو به مرحله اجرا درآمده بود، مختل کرد. تأثیر سیاسی انقلاب ایران بر دیگر کشورها و مبارزه ضد استکباری این کشور با ادامه چپاول غرب و نیز احساس خطر شکل گیری انقلابی دیگر در منطقه، استراتژیست های آمریکایی و غربی وادار به تجدیدنظر سریع در سیاست های خود نمود. اصل سیاست خارجی آمریکا در این منطقه، استراتژیست های آمریکایی و غربی را وادار به تجدیدنظر سریع در سیاست های خود نمود.

اصل سیاست خارجی آمریکا در این منطقه از دیرباز برقراری «موازنه قوا» در میان کشورهای منطقه بود. به طوری که:

۱. هیچ قدرت ضدآمریکایی بر منطقه و منابع نفتی مسلط نشود.
۲. نفت منطقه بدون مانع به جهان غرب ارسال گردد.
۳. با نفوذ شوروی مقابله شود.

به هر حال جنگ عراق علیه ایران، جنگی بود که با هدف برقراری موازنه، خالی کردن انبار اسلحه ایران و رویهم رفته جنگی مطابق اهداف سیاست خارجی آمریکا در دوران ریگان بود واز همین رو، هر گونه تلاشی به عمل آمد تا از پیروزی ایران در آن جنگ جلوگیری شود (معرفت جو، ۱۳۶۹، ۵۳). در نهایت استراتژی آمریکا در خلیج فارس به نتیجه مطلوب آن رسید و جنگ ایران و عراق خاتمه یافت. به طور خلاصه می توان گفت آمریکا به اهداف ۳ گانه استراتژی بازدارندگی ایران شامل وارد آوردن فشار بر ایران، تأمین امنیت منطقه خلیج فارس، دسترسی کامل به منابع نفتی و امنیت جریان آزاد نفت رسید. نظام بین المللی اوائل دهه ۱۹۸۰ که عراق تجاوز خود را به ایران آغاز کرد، با نظام بین المللی دهه ۱۹۹۰ به کلی متفاوت بود و در حال گذار از نظام دوقطبی به ترتیبات جدیدی بود. شکست عراق در جنگ با کویت تحت حمایت آمریکا به تحکیم موقعیت استراتژیک ایران در خلیج فارس انجامید، شکست عراق در جنگ با آمریکا به ظهور ایران به عنوان قدرت برتر در منطقه خلیج فارس کمک کرد. ایران با وجود صدمات ناشی از جنگ با عراق، اهداف ملی و منطقه‌ای بین المللی خود را کنار نگذاشته و از جنگ عراق و آمریکا تا حد زیادی بهره مند گردید؛ مهمتر اینکه پای ایران به جنگ کشیده نشد و در پناه آن سازمان ملل، عراق را مقصر در جنگ تحمیل شده به ایران در سال های ۶۷-۱۳۵۹ (۸۸-۱۹۸۰) براساس قطعنامه ۵۹۸ شناخت که امتیاز عمده ای برای ایران بود. سناتور آلفونس و داماتو جمهوری خواه، در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ در مورد علت ناکامی آمریکا می گوید: «سیاست آمریکا تاکنون موجب تغییر رفتار ایران و گرایش این کشور به اعتراض نشده است. این امر می تواند ناشی از شرایط رفتاری دولت آمریکا در برخورد با ایران باشد، زیرا خرید نفت ایران توسط شرکت های آمریکایی، عامل تداوم سیاست های خصمانه ایران بوده است. برپایه این درک و تحلیل وی که قبلا در سال ۱۹۹۳ طرح تحریم ایران را ارائه کرده بود، مجدداً تلاش های خود را از سر گرفتند. و نهایتاً کلیتتون تحت فشارهای داخلی کنگره در ۱۵ مارس ۱۹۹۵، دستورالعمل اجرایی خود مبنی بر تحریم ایران را صادر کرد، اما حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شیوه و عملکرد و سرعت اعمال استراتژی فوق را تغییر داد. زیر سؤال رفتن قدرت سیاسی ایالات متحده و توانایی کاربرد موثر توانمندی های نظامی ایالات متحده زمینه را برای دوران جدیدی از راهبردهای ژئوپولیتیکی ایالات متحده آغاز کرد. جرج بوش در سخنرانی ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ با طرح «محور شرارت» این بار با قرار دادن ایران، کره شمالی و عراق در ردیف کشورهای تحریمی جبهه جدیدی از جنگ را در خاورمیانه گشود. در کانون و مرکز استراتژی ژئوپولیتیکی امنیت آمریکا، تهدیدات و خطراتی قرار دارد که از کشورهای به اصطلاح نامشروع و سازمان های تروریستی بر می خیزد. عراق به بهانه اینکه دارای سلاح های کشتار جمعی است و یا با تروریسم در ارتباط بوده و از آنها حمایت نموده، مورد تهاجم قرار می گیرد و صدام حسین رئیس جمهوری عراق، پس از حمله بهار ۲۰۰۳ سرنگون می شود،

اما از آنجا که ایالات متحده آمریکا در راستای پیاده سازی گام‌های مربوط به استقرار نظام تک قطبی خویش حرکت می نمود، در این راستا عراق، مستطیل صلح افغانستان و خلیج فارس دارای نقش بارز و برجسته ای بودند. از این رو آمریکا از اوایل ۲۰۰۵ مشغول بازنگری در میان دوستان و دشمنان سنیت خود شد و احساس به یک ترکیب بندی از وضعیت تهدیدات در خاورمیانه را احساس می کند، که در این میان چه بسا ایران تهدید جدی برای آمریکا نباشد. (مصاحبه با دکتر عزتی) اما از آنجایی که آمریکا در اجرای سیاست هایش در منطقه ما بسیار جدی است، گزینه‌های انتخابی پیش روی ایران بسیار محدود خواهد بود. ضمن اینکه اعراب و ترکیه نیز از تضعیف موقعیت ایران و تشدید اعمال فشارهای سنگین به تهران استقبال می کنند.

جایگاه استراتژیک نفت و اهمیت خاورمیانه:

اهمیت استراتژیک نفت در ۲ سطح کلی قابل بحث است:

۱. در اقتصاد جهانی و پرداخت های بین الملل و به مفهوم وسیع تر، در سیستم تجارت بین المللی، نفت در سیاست بین المللی، همواره در شکل های مختلف با رقابت ملل جهت کسب امنیت، قدرت، حیثیت و ثروت در ارتباط بوده و به طور چشمگیری ماهیت این رقابت ها را افزایش داده است.
۲. از نظر نظامی، از آنجا که کنترل فیزیکی و حفظ مالکیت قانونی منابع انرژی، به ویژه نفت، با کاربرد نیروی نظامی میسر می شود، لذا قدرت نظامی با نفت ارتباطی دوجانبه پیدا می کند. از یک سو نفت یکی از مهمترین مواد سوختی لجستیک محسوب می شود و از سوی دیگر، به دلیل کاربرد نظامی، برای دفع تجاوز و حفظ منابع انرژی مورد استفاده قرار می گیرد.

وضعیت انرژی در مناطق مختلف جهان:

با نگاهی به ذخایر شناخته شده نفت و گاز در سطح جهان و همچنین میزان مصارف رو به افزایش بلوک های قدرت اقتصادی، همچون آمریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن و اخیرا چین، درمی یابیم که دغدغه خاطر کشورهای یاد شده، چگونه بخش اعظم استراتژی آن کشورها را تحت الشعاع قرار داده می دهد؛ به عنوان مثال می توان به اولین شوک نفتی و تحریم فروش نفت به آمریکا و متحدانش اسرائیل اشاره نمود. برای مقابله با تبعات و عوارض آن شوک، بنا به دعوت ایالات متحده آمریکا اجلاسی در فاصله ۱۳-۱۱ اوت ۱۹۷۴ در واشنگتن با حضور نمایندگان بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان غربی، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، انگلستان و کشور میزبان تشکیل شد. پیشنهادات مختلفی توسط کسینجر مطرح شد. پیشنهاداتی برای ایجاد ضوابط جدید انرژی و تشکیل سازمان بین المللی انرژی در پیشنهاد چهارم موضوع ذخایر استراتژیک مطرح می گردد.

وضعیت انرژی در کشورهای منطقه:

حوزه خلیج فارس:

به اعتقاد آگاهان و متخصصان انرژی در حوزه خاورمیانه، این منطقه دربردارنده ۶۴٪ ذخایر شناخته شده نفت و ۳۴٪ منابع شناخته شده گاز جهان در خلیج فارس است که روزانه ۲۲/۸ میلیون بشکه آن صادر می شود و این رقم تا سال ۲۰۲۰ به ۴۲/۲ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت؛ یعنی سهم ۴۷٪ فعلی به ۶۱٪ تأمین نفت جهانی خواهد رسید. (Cordesman, 1999, 54)

دریای خزر:

الف) خزر و ژئواستراتژی قرن بیستم:

دریای خزر حوزه‌ای محصور در خشکی است که به آبهای آزاد جهان راه ندارد. دریای خزر در شرایط کنونی دریای تعارض و تقابل قدرت های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که به عنوان یک پدیده ژئوپولیتیکی استثنایی دهه پایانی قرن بیستم حاصل سیاست های استعماری امپراطوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بود و منطقه‌ای حائل میان سه ناحیه کاملاً مجزا را پوشش داده است. ادامه سیاست های توسعه طلبانه روسیه و سپس شوروی در طول عمر اتحاد جماهیر شوروی، برای جبران ضعف ژئواستراتژیکی روسیه سبب پیدایش منطقه ژئوپولیتیکی دریای خزر در طول جنگ سرد شد که بیشترین ضربه را به ایران وارد کرد. در این دوره، با وجود مرزهای طولانی ایران و شوروی در این دریا، مبادلات دریایی دو کشور در حد بسیار اندک و آن هم در بندر انزلی صورت می گرفت که عمدتاً به مبادلات کالایی اختصاص داشت و مبادلات مسافر در سطح بسیار ناچیزی صورت می گرفت.

بهره برداری از نفت حوزه خزر تحت نظارت کامل شوروی بود، ولی علاوه بر آنکه سه کشور اطراف دریای خزر که جزء محدوده سیاسی - امنیتی شوروی بود و در حقیقت جمهوری های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، به منظور تحدید دریای خزر همچنان هم اساس تحدید مابین آنها قرار داد.

ب) خزر و ژئواکونومی قرن بیستم و یکم:

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حوزه دریای خزر به صورت یکی از کانون های قابل توجه در عرصه بین المللی درآمده است. در واقع با شکسته شدن ترتیبات ژئواستراتژیک جنگ سرد، این حوزه به شکل منطقه‌ای نوظهور با ژئوپولیتیکی جدید ظهور کرد. اما از آنجایی که در قرن بیست و یکم محور همه تحولات، دگرگونی هایی است که در بستر تفکر استراتژیک؛ یعنی چرخش از ژئواستراتژی به ژئواکونومی صورت می گیرد، ارزشگذاری و جایگاه ژئوپولیتیکی مناطق در قلمروهای ژئواکونومی صورت می گیرد. ژئوپولیتیک محوری است که صد سال است خاورمیانه روی آن حرکت می کند و هم اکنون قلمرو ژئواکونومیک خاور نزدیک بزرگ که در پی فروپاشی شوروی و تغییر مرزهای خاورمیانه سنتی، وسعت و گسترده آن به جمهوری های آسیای مرکزی، خزر و قفقاز جنوبی کشیده شده است و این در برگیری جدید تن‌ها و تن‌ها براساس عامل انرژی است.

ژئوپولیتیک ایران:

عواملی که در ژئوپولیتیک موثرند به دو دسته کلی، ثابت و متغیر تقسیم می شوند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشاء طبیعی داشته باشند. موقعیت جغرافیایی در بین عوامل متغیر، نقش دو قطب اصلی را در تحلیل های ژئوپولیتیکی ایفا می کنند (عزتی، ۱۳۷۷، ۷۵). به عنوان مثال: موقعیت جغرافیای ایران یک عامل ثابت است که دارای اهمیت فراوان می باشد و همین اهمیت باعث شده که نقش استراتژیک ایران مورد توجه قرار گیرد. اهمیت جایگاه ایران در نظریات ژئوپولیتیک عمدتاً ناشی از این واقعیت است که این کشور از طریق خلیج فارس و دریای عمان به دریای آزاد راه دارد و دارای موقعیت گذرگاهی است و علاوه بر اینکه بخش های شمالی ایران جزء سرزمین قلب محسوب می شود، فلات ایران نیز تماماً نقش حاشیه‌ای قلب را داشته است» (اطلاعات، ۱۳۷۶، ۲۵).

عوامل متغیر ژئوپولیتیک ایران:

جمعیت (ترکیب جنسی و پراکندگی جمعیت): جمعیت کشور در سرشماری عمومی و مسکن در سال ۱۳۷۵، تعداد ۶/۰۵۵/۴۸۸ نفر ذکر شده است که در آن با نسبت جنس ۱۰۳، یعنی به ازای تولد ۱۰۳ نوزاد مذکر، ۱۰۰ نوزاد مؤنث متولد شده در نقاط شهری و روستایی ساکن و غیر ساکن در سراسر کشور، برداشت گردیده است. جمعیت کشور برحسب گروه های سنی و دینی و مذهبی در قالب هرم سنی جمعیت برحسب جنس و سنین منفرد در سال ۱۳۷۵ و در پیش بینی هرم جمعیت سال ۱۳۸۵ بر مبنای سنین منفرد، جوان بودن جمعیت را به خوبی نشان می دهند، ۱/۷٪ جمعیت کمتر از یکساله، نوباوگان یعنی از ۱ تا ۵ ساله ۱۱/۲۱٪ و کودکان یعنی ۱۱/۶ ساله، ۱۴/۶٪ و نوجوانان یعنی ۱۱ تا ۱۴ ساله، ۱۱/۹۹٪ و سرانجام جوانان، یعنی ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۲۰/۵۴٪ و در مجموع جمعیت زیر ۲۴ ساله ها، بیش از ۶۰٪ کل جمعیت را تشکیل می دهند.

مهاجرت: علی رغم مهاجرت هایی که با برنامه صورت می گیرد، مهاجرت ممکن است پاسخ واکنشی و ناگهانی به یک سری از شرایط باشد، از جمله این مهاجرت ها، مهاجرت های سیل آسای مردم جنگ زده افغانستان در نیمه دوم قرن بیستم می باشد، که این نوع مهاجرت، همچنان ادامه دارد.

منابع: این منابع شامل دو دسته زمینی و زیرزمینی است که بحث منابع هیدروکربوری (نفت و گاز) در این بین حائز اهمیت ژئوپولیتیکی خاصی است. دو منطقه خلیج فارس و خزر و آسیای مرکزی به عنوان دو انبار تأمین کننده انرژی در آینده بازی خواهند کرد. نهادهای اجتماعی - سیاسی: این نهادها در مواقع قدرت، نوع حیات آن کشور را مشخص می کند. هر قدر این نهادها، قوی تر و منسجم تر عمل کنند و از اطلاع و آگاهی بیشتری برخوردار باشند، نقش استراتژیک کشور افزایش می یابد.

هویت: هویت هر ملتی براساس ریشه های مکانی - زمانی تعریف می شود. «فرهنگ شهروندی ایرانی یکی از کهن ترین و ریشه دارترین فرهنگ ها و تمدن های جهان است، پیشینه این فرهنگ و شهروندی کهن را در اندیشه های ایرانی هزاران سال پیش از این باید جستجو کرد، در دورانی که آیین مهر (میترا باوری) و دین زرتشتی (مزدا باوری) راهگشای بشر شدند» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ۱۳۱).

حکومت: از نگاه ژئوپولیتیک حکومت سازمانی می تواند نقش استراتژیک خود را در حفظ و پایداری یک کشور اعمال نماید و از عامل وفاداری مردم به حکومت برخوردار باشد، این وفاداری به عنوان یک نهاد اجتماعی در همه بخش ها نفوذ کرده و تاثیر می گذارد و باعث پیشرفت و توسعه می گردد.

وفاداری: وفاداری محوری است که آحاد یک ملت، همگی با داشتن احساس برابری در مورد آن نسبت به حکومت وفادارند، وفاداری خمیرمایه شکل دهنده پدیده شهروندی است و از این رو مفهوم آن، در ایران نشان داده شده است.

سازمان اقتصادی: سازمان اقتصادی هر کشور عبارت است از رفتارها، برنامه ها و سیستم مالی و پولی و سازو کار شکل دهنده عرضه و تقاضای کالا و خدمات در آن کشور، نظام و سازمان اقتصادی هر کشور مهمترین نقش را در تعریف جایگاه یک کشور در رده بندی قدرت جهانی دارد، کما اینکه شاخص تولید ناخالص ملی یکی از بهترین شاخص ها در تعیین وضعیت قدرت یک کشور است.

بحث و نتایج:

به طور کلی سیستم ژئوپولیتیکی جهان بسیار پویاست و دگرگونی های ساختار در درون و میان این ساختار به سرعت در حال وقوع است. از تبعات این پویاها، ظهور چین به عنوان یک حوزه ژئوپولیتیکی مستقل از وضعیت اقماری در قاره اوراسیا و حاشیه آسیا - پاسیفیک خواهد بود. بیشتر حاشیه قاره ای اوراسیا (خارج نزدیک روسیه) در پاسخ به تلاش های نفوذ اقتصادی و نظامی ایالات متحده به سمت پیکره ژئوپولیتیکی خاورمیانه نزدیک می شود، چرا که خاورمیانه از مرزهای جنوب در قلمور عربی قرار دارد و از این رو این منطقه بیشتر میل به باقی ماندن در وضعیت شکننده یا دروازه ای دارد. با توجه به اینکه در خلال این تحولات، تحولات ژئواکونومیک در حال وقوع است، اینکه با کوچکترین قلمرو ژئواستراتژیک شامل بخشی از اروپای مرکزی و بزرگترین قلمرو بحری خواهد بود. ولی آنچه مسلم است در قلمرو ژئواستراتژیک جدید روسیه در قالب مرزهای شوروی سابق و چین در یک محدوده قرار خواهند گرفت و این پدیده می تواند بر ژئوپولیتیک ایالات متحده آمریکا تأثیر فراوان داشته باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر انطباق قلمروهای ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیک بر یکدیگر است که می تواند پیامدهای عظیمی داشته باشد. بنابراین تجزیه قلمروهای ژئواستراتژیک و ترکیب مناطق ژئوپولیتیک از پیامدهای دوران اتمام حاکمیت مفاهیم ژئواستراتژیک است. در قرن بیست و یکم محور تفکرات و تحولات ژئوپولیتیکی، قومیت ها و ملیت ها خواهند بود که در چنین فضایی ما باید شاهد کاهش تدریجی قدرت دولت ها و حکومت ها و واگذاری تدریجی آن به واحدهای محلی و شرکت های فراملی باشیم که این پدیده خود می تواند به نقشه سیاسی جهان تأثیرات شگرفی بگذارد. در چنین فضایی ژئوپولیتیکی اگر حکومت ها خود به الگوی هماهنگ با شرایط محیط جغرافیایی خود دست نیابند، قدر مسلم این الگو به آنها تحمیل خواهد شد و در نتیجه قدرت مانور کمتری برای حفظ و پایداری خود خواهند داشت. جمهوری اسلامی ایران با توجه به توان ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیک و ملاحظات ژئواستراتژیک می تواند نقش محوری تأمین امنیت منطقه و جهان را ایفا کند. ایران در چنان موقعیتی از جهان قرار گرفته که هرگونه وقفه و نارسایی در امنیت سرزمینی آن موجب به هم خوردن تعادل سیاسی - اقتصادی کشورهای همجوار می گردد. موقعیت ایران به گونه ای است که امکان برخورد اقوام، ملل و قدرت های جهانی و در نتیجه امکان تعارضات خارجی در آن وجود دارد. امنیت این سرزمین بیشتر از سه جهت به مخاطره افتاده؛ شمال، جنوب و غرب، بارزترین تجاوززاتی است که در قرن بیستم بر ایران حادث شده است. ابتداءً در جنگ های جهانی اول و دوم و سپس جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران بود که مورد حمایت بیشتر کشورهای قدرتمند جهان قرار گرفت. گستردگی دخالت های بی وقفه و موانع تراشی متعدد آمریکا در ایران بیانگر اهمیت ژئوپولیتیکی این کشور در ابعاد مختلف از جمله منابع انرژی است تا آنجا که آنها منابع ملی و حتی حیاتی خود را در دسترسی به این منابع می دانند و در این راستا ایران با برخورداری از موقعیت استثنایی دربرگیری فضای حائل میان دو مخزن غنی انرژی جهانی - خلیج فارس و دریای خزر - فضای ژئوپولیتیک استثنایی را در اختیار دارد. ایران هم اکنون در مرکز ۷۵ درصد منابع انرژی جهان در خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد و این موقعیت فوق العاده استراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک می تواند ایران را به حوزه های ژئوپولیتیکی استراتژیک جدید و حساسی را برای ایران فراهم خواهد ساخت و راه های مواصلاتی تازه ای به روی ایران گشوده خواهد شد. لوله های نفت و گاز شرایطی را فراهم می کند

که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز وارد تجارت با ایران شوند، و ایران را از بن بست حمل و نقل خارج نمایند و از طرف دیگر موجب خواهد شد این کشور اهمیت استراتژیک خود را در دوران راه مروارید و جاده ابریشم کسب کند. فرضیه سوم ما عبارت بود از اینکه ساختار نظام بین الملل آینده متأثر از قلمروهای ژئواکونومیکی در حال شکل گیری است. صحنه اجرا و آزمایش نظام جدید بین المللی که به طور خاصی پس از فروپاشی نظام پیشین دوقطبی آغاز شده بود، حضور آمریکا در حادثه اشغال کویت توسط عراق فراهم گردید. آمریکا توانست با دست آویز قرار دادن این تجاوز، گام اولین اجرای «تئوری نظم نوین جهانی» را بردارد. با وجود اعلام دولت صدام مبنی بر خروج از کویت، آمریکا عملیات طوفان صحرا را با حملات هوایی و زمینی آغاز کرد. بنابراین اخراج عراق از کویت به دنبال تجاوز آن کشور به کویت، آزمون خوبی بود که اروپا یک جانبه گرایی آمریکا را تجربه کند و عدم اعتمادش را به آن کشور در شرایط نوین و به هنگام توزیع غنایم به دست آمده جنگی، ابراز دارد. بحران شبه جزیره بالکان نیز در راستای همین تحولات باید ارزیابی شود اما حادثه ۱۱ سپتامبر که طی آن سمبل های قدرت آمریکا، یعنی برج های تجارت جهانی، مظهر قدرت اقتصادی پنتاگون، مظهر قدرت نظامی و کاخ سفید مظهر قدرت سیاسی آمریکا نشانه گرفته شد. آمریکا به عنوان قدرت بزرگ جهانی برای تأمین امنیت خود و متحدانش در قالب ماده ۵ اساسنامه پیمان واشنگتن - اساسنامه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی - دست به طرح جنگ پیش دستانه زد و اولین تهاجم پیش دستانه را برای سرنگونی رژیم طالبان حامی سیاسی - لجستیکی گروه متهم القاعده به افغانستان آغاز کرد. یک آمریکایی افغان تبار به نام زلمی خلیل زاده، مطالعات جامعی درباره منطقه به عمل آورده و نتیجه بررسی های خود را در مجله واشنگتن کوارترلی زمستان ۲۰۰۰ چاپ کرده است. وی دلایل عمده برای سرنگونی حکومت طالبان در افغانستان و استقرار یک حکومت متمایل به آمریکا را چنین برشمرده است:

- حضور و فعالیت ستاد اسامه بن لادن در افغانستان
- استمرار قاچاق مواد مخدر از افغانستان به غرب
- استقرار حکومت طالبان که دیگر چنان که انتظار می رفت مطیع نیست
- وجود منابع عظیم نفت در منطقه

اهمیت ژئواستراتژیک افغانستان و هم مرز بودن آن با چین، هند، ایران، پاکستان و حوزه آسیای مرکزی امکان گذراندن لوله های نفت و گاز آسیای مرکزی از افغانستان همچنان که مشاهده می شود تحولاتی که در پی وقایع ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد، با تمرکز خاص بر روی خاورمیانه از نقشه اصلی کنترل و دستیابی به جریان مطمئن انرژی در غنی ترین حوزه جغرافیایی جهان حکایت داشت. در این نقش صلح اجباری که پیشتر در خصوص آن بحث کردیم افغانستان مستطیل صلح است، مستطیلی که اضلاع آن را ایران، پاکستان، آسیای مرکزی، چین و هند در بر گرفته است. تحولاتی که این بار با استفاده از نام خطر گسترش تسلیحات اتفاق افتاد بر همگان ثابت کرد که مداخله و جنگ در عراق چیزی بیش از رفع تهدید شکل نگرفته ای در قالب جنگ پیشگیرانه است.

نتیجه گیری:

از مطالب و بحث های گذشته نتیجه می شود که بنیادی ترین عامل زیربنایی برای هر هستند که به امنیت ملی خود کمک کنند. در دوران جنگ سرد هدف این بود که کشورها از طریق کسب قدرت به امنیت برسند؛ یعنی، با استفاده

از ابزار نظامی به اهداف کلیدی که همان فضای صلح است دست پیدا کنند. این مسیر به علت پرهزینه بودن و ایجاد رعب و وحشت به بیراهه رفت و نتیجه ای منفی به بار آورد و نه تنها صلحی حاصل نگردید، به لکه به گروه بندی‌های نظامی در مقیاس جهانی منجر شد. در قرن بیست و یکم به دلیل توسعه و گسترش ارتباطات و متحول شدن استراتژی نظامی به اقتصادی، راه‌های دست یابی به قدرت هم دگرگون شده است. در این شرایط ابزار رسیدن به قدرت با استفاده از عوامل اقتصادی تحقق می یابد. امروزه پدیده‌های اقتصادی هستند که برای کشورها و جهان امنیت به همراه می آورند و از آن طریق می توان به توسعه پایدار و امنیت رسید. در عصر حاضر برای آنکه کشورها بتوانند به اهداف سیاست خارجی و داخلی خود، یعنی، امنیت ملی، توسعه اقتصادی و پیشرفت علمی و فرهنگی نائل آیند، حداقل به همکاری و هماهنگی با دیگر کشورها نیازمند هستند.

هر منطقه‌ای به تناسب وضعیت جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود اقدام به ایجاد نوعی سیستم همکاری می نماید. اگر این سیستم به گونه‌ای باشد که سطح همکاری با حفظ حالت تسری وار گسترش افقی و عمودی بیاید، وابستگی‌های متقابل شکل می گیرد و سطح همکاری به سطح ائتلاف و اتحاد و وحدت صعود پیدا می کند و بر سطح وابستگی‌های متقابل افزوده می شود. بنابراین می توان گفت که در عصر حاضر راهبرد ائتلاف و اتحاد از عملی ترین راهبردهای تضمین کننده صلح و امنیت تلقی می شود. زیرا در نظام جهانی شدن، امنیت فردی نیست، به لکه جمعی است و آن به دلیل این است که ارتباطات همه را به یکدیگر وصل کرده و منافع هر یک به دیگری پیوند خورده است.

پیشنهادات:

الف - تمرکز بر یکپارچگی پیکره اقتصادی منطقه‌ای (قلمرو ژئواکونومیک خاورمیانه)

پس از تحولی که در قلمروهای ژئواستراتژیک در قرن بیست و یکم پدید آمد، عامل محوری به نام انرژی باعث گسترش مرزهای خاورمیانه سنتی شده است. مرزهای این قلمرو وسیع از غرب به سودان و مرزهای غربی مصر و شاخ آفریقا، از شمال به حوزه‌های نوظهور آسیای مرکزی و قفقاز و با در بر گرفتن دریای خزر گسترش پیدا کرده است. چنین ترکیب بندی جدیدی در پیکره خاورمیانه تن‌ها براساس عامل انرژی و در نتیجه تحولات فضایی - مکانی است که حول این محور در حال شکل گیری است. قلمرو ژئواکونومی خاورمیانه، پیکره متصل کننده قلمرو ژئواکونومی اروپای ساحلی (به دلیل اتصال به مدیترانه) و قلمرو مستقل شبه قاره و آسیای پاسیفیک است. نقش ارتباطاتی و اتصالی این قلمروها به یکدیگر به معنای داشتن پتانسیل های بی شماری است که در رأس آن امتیاز ژئواستراتژیک - ژئواکونومیک این قلمرو است.

ب- اتخاذ راهبردی برای توسعه توانمندی‌های اقتصادی در حوزه انرژی

سرزمین ایران از نظر موقعیت استراتژیکی همانند حلقه‌ای است که می تواند چهار منطقه حساس و مهم جغرافیایی همجواری را چون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوند دهد و درجه امنیت خود و آن کشورها را با استفاده از بستر ژئواکونومیکی منطقه‌ای افزایش دهد. با توجه به راهبرد گفته شده باید:

- درصدد بهره گیری از موقعیت ژئوپولیتیک کشور به خاطر ذخایر قابل توجه نفت و گاز و موقعیت منحصر به فرد ژئواستراتژیک با فراهم آوردن همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهای توانمند منطقه همچون عربستان، کویت و ... به

وسیله سرمایه گذاری مشترک در صنایع نفت و گاز و انجام نوع تقسیم کار منطقه‌ای به منظور ارتقای وجهه جهانی و تقویت بنیان های اقتصادی و اجتماعی باشیم.

سرعت بخشیدن به پروژه های احداث خطوط انتقال انرژی به منظور افزایش وابستگی های کشورهای حوزه خزر به ایران و علاقمندی به توسعه روابط و ایجاد مناسبات صمیمانه تر بازرگانی و اقتصادی.

- توسعه صنایع نفت و گاز در داخل کشور به منظور افزایش بهره گیری از مزیت نسبی ایران در صنعت نفت و گاز به منظور افزایش اشتغال از سویی و بهره وری بیشتر و جلب ارزش افزوده بالاتر از سویی دیگر.

ج- توسعه ظرفیت های سیاست خارجی

- پیگیری سیاست های تنش زدایی در راستای افزایش سیاست خارجی فعال تر و هماهنگ به منظور ارائه چهره‌ای مطلوب تر از نظام و جلب اعتماد برای شرکت در فعالیت های جهانی با بلوک های قدرت و شرکت های قوی نفتی از طریق دادن اعتماد به تأمین انرژی مورد نیاز غرب و ایجاد امنیت لازم برای صادرات آن و همچنین انتقال و معاوضه انرژی با همسایگان شمالی. در جهان امروز منافع ملی کشورها در کنار منافع جهانی معنا پیدا می کند. از این رو دیگر کشورها نمی توانند با تأمین منافع ملی خود در سایه تخریب منافع دیگران به پردازند، لذا کشورها باید در تدوین استراتژی براساس واقعیت های ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک حرکت کنند. ایران هیچ گاه نباید تفکر داشتن دشمن دائمی را در سر بپروراند. برای هر دشمنی پایانی و برای هر دوستی آغازی وجود دارد. باید تلاش کرد تا به آن خط پایان و این خط آغاز نزدیک شد.

منابع:

- ۱- اخباری، محمد، ۱۳۷۷،: جغرافیای نظامی ایران، تهران، نشر دانشگاه امام حسین (ع)، چاپ اول
- ۲- ادوارد ای، آزو چونگ این مون، ۱۳۷۹، امنیت ملی در جهان سوم، تهران، نشر اطاعت
- ۳- الهی، همایون، ۱۳۶۱، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- ۴- بوالوردی، مجید، ۱۳۸۳، بررسی وضعیت نفت و گاز دریای خزر و مسیرهای انتقال آن، تهران، انتشارات دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه
- ۵- پاسکال، اورو و فرانسوا، توال، ۱۳۷۸، کلیدهای ژئوپولیتیک، ترجمه صدوق ویتنی، حسن، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۶- ثقفی عامری، ناصر، ۱۳۶۹، استراتژی و تحولات ژئوپولیتیک پس از دوران جنگ سرد»، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی
- ۷- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۱، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران، انتشارات سمت
- ۸- ذوقی، ایرج، ۱۳۷۰، مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران، تهران، انتشارات پاژنگ
- ۹- عزتی، عزت الله، ۱۳۸۱، تحلیلی بر ژئوپولیتیک ایران و عراق»، تهران، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول
- ۱۰- عزتی، عزت الله، ۱۳۸۱، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت
- ۱۱- عزتی، عزت الله، ۱۳۸۲، ژئوپولیتیک ژئواستراتژی، تهران، انتشارات سمت

- ۱۲- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۹، ایده های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی، تهران، نشر نی
- ۱۳- منسفیلد، پیتر، ۱۳۳۸، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمدی میرحیدر، تهران، انتشارات

سمت

- 14- David Balwin., Concept of Security, "Review of International Studies", No. 23. January 1997. P. 34.
- 15- Evan W. Andiron., The Middle East, "Geography & Geopolitics" (New York, Rout ledge, 2000)
- 16- H. Cordecman Anthony., "The Changing Geopolitics of Energy", Middle East Studies Prog. CSIS. Washington D. C. 1998. H. Cordesman Anthony., "The Changing Geopolitics of Energy". Middle East Studies Prog-CSIS., Washington D. C. 1998. Port.
- 17- John. M. Collins., "Military Geography", Brassey 1998. P. 131.
- 18- Rotzel, Friedrich., La Geography Politique. Les Concepts Fundamental Fayard, 1988, Collection des Ecrits pricipaux du Fondutaur Delageographie pilepolitique antre-Rihm. PP. 83-92.
- 19- Geo-economic Strategy: Goggle Search "Geo-economic".www.word capital foram. Comlgeo. Estrata. htm.
- 20-www.wage cooperatives org/contact. Html.
- 21-http:www.abibiol.org.antijournal/flying.Html
- 22-Webster. Direct. Com/Webster/search.aspx=qry=Geopolitic-29k Gxford Advanced Learners Dictionary. P. 493.

